

[31] فتنه انگیزانی بودند که فقط دل به غارت و غنیمت بسته بودند، و گروهی شکاک که

حق را از باطل بدرستی نمی شناختند، وعدهء زیادی که پیرو تعصبات قبیلہ اُی بودند و از رؤسای قبائل پیروی می کردند و کاری با دین نداشتند، آنگاه شیخ مفید در بارهء وضع روحی و اجتماعی آنان می نویسد: جنگ را ناخوش می داشتند و طرفدار آسایش و سلامت و خواستار تسلیم و سازش بودند. آغاز شکست سپاه اسلام پس از آنکه امام فرماندهی مقدم سپاه را به عبیدالله بن عباس سپرد، او بهمراهی سپاه حرکت کرد، تا به (مسکن) رسید و در آنجا اردو زد، و رویاروی سپاه معاویه قرار گرفت، معاویه طبق شیوهء همیشگی خود برای درهم شکستن روحیهء سپاه از چند راه به تضعیف روحیهء این گروه که بعنوان مقدم سپاه امام بودند همت گماشت: 1 - اعزام جاسوسها: نخستین دسیسهء خطرناک معاویه برای ایجاد فساد در سپاه امام اعزام جاسوسان و خبر گزاران بود تا لشکریان را بترسانند و آنان را به سستی و پستی کشانند، و در این ماجرا همگی يك سخن را تبلیغ کردند، یعنی: حسن بن علی طی نامه هائی معاویه را به صلح دعوت کرده است پس چرا شما خود را به کشتن می دهید، این دروغ موحی از سراسیمگی و ترس در میان سپاه را برانگیخت و روح تمرد را در واحدهای لشکر پدید آورد. 2 - پخش رشوه: معاویه برای تخریب روحیه سپاه، سرداران سپاه
